

شیخ ارده شیره

حَمَّ عَلَى الصَّوْدَةِ



حضرت آیت اللہ العظمی نجفی مرعشی می فرمودند: در قم شیخی بود معروف به شیخ ارده شیره جهت معروف شدنش به این نام آن بود که او به ارده شیره بسیار علاوه داشت و حتی کتابی در وصف ارده شیره نوشته بود. آدم فقیری بود خانه و منزلی نداشت. در حقیقت تارک دنیا بود؛ یک شب در زمستان در میان مقبره میرزا قمی در قبرستان شیخان خوابید صبح برای نماز بلند شد دید برف زیادی آمده پیشتر در را گرفته، شیخ هر کاری کرد در باز نشد، ماند در میان مقبره. از طرفی وسیله وضو حتی وسیله تیمم هم نبود چون مقبره با کچ و سیمان و سایر مصالح ساخته شده بود نزدیک طلوع آفتاب شد دید نمازش قضا می شود با همان حال بدون وضو و تیمم صحیح، نماز را خواند بعد از نماز رو کرد به طرف آسمان و دستها را بلند نموده به شوخي به خداوند عرض کرد: خدا! تا به حال تو به من هر چه دادی من چیزی نگفتم و قبول کردم، گاهی نان و ارده شیره دادی شکر کردم، گاهی هم نان دادی و اصلا خورش ندادی باز هم قبول کردم؛ خدا! تو هم امروز این یک نماز بی طهارت را از من قبول کن و مرآ مواخذه مکن. ناقل فرمود بعد از وفات شیخ، یکی از دوستان صالحش او را در خواب دید پرسید: خداوند با تو چگونه رفتار کرد؟ گفته بود: خدا مرآ به واسطه همان یک نماز بخشید.

[نماز اول وقت، رجایی خراسانی ص ۱۹۰]

خانه باقی...

روزی یکی از مقلدان استاد اعظم «شیخ مرتضی انصاری» که از بازرگانان محترم و متدين بود، در مسیر راه خود به حج، به نجف اشرف و حضور شیخ انصاری رسید و مبلغی تقدیم ایشان کرد و گفت: «این مبلغ از مال خالص (خمس داده شده) من است، آن را بردارید و برای خود شیره دادی شکر کردم، گاهی هم نان دادی و شوید.»

شیخ پول را پذیرفت و آن تاجر به مکه رفت. پس از مدتی با آن پول مسجد خوبی در نجف اشرف بنا کرد که اکنون به مسجد «ترک» معروف است و از زمان تأسیس تاکنون، همواره محل درس و بحث علماء و مراجع تقلید بوده است.

آن تاجر در بازگشت از مکه، به نجف اشرف نزد شیخ انصاری آمد و پس از احوال پرسی عرض کرد: «آیا خانه را خریدید؟» شیخ گفت: «آری خریدم». پس وی را با خود به کنار مسجد برد و آن را به او نشان داد و فرمود: «این مسجد را با پولی که دادی بنا کردم». تاجر گفت: «من آن پول را برای خانه داده بودم، نه مسجد». شیخ گفت: «چه خانه ای بهتر از این مکان مقدس که عبادت خدا در آن انجام می شود. ما به زودی از این دنیا کوچ می کنیم و اگر من با آن پول خانه می خریدم بعد از من به ورثه منتقل می شد، در حالی که این خانه (مسجد) باقی و ثابت است و به کسی منتقل یا بخشیده و یا فروخته نمی شود. تاجر از این عمل نیک انسانی و اجتماعی شیخ انصاری شاد شد و علاقه اش به وی فزونی یافت.

(به نقل از مجله خانواده، ش ۳۲۵)

باز هم انگشترش رو بخشید!

باز هم انگشترش رو بخشیده بود؛ ازش پرسیدم: این یکی رو به کی دادی؟ گفت: یه بندۀ خدا انگشت طلا دستش بود نمی دونست که طلا برای مرد حرامه، از دستش در آوردم و انگشت خودم رو بهش دادم.

(کتاب سیره‌ی دریادلان ۲، خاطره‌ای از زندگی روحانی شهید عبدالله میثمی)

آیا پس انداز درآمد کسب برای تهیه ضروریات زندگی به مجرد رسیدن سال خمسی متعلق خمس است، یا پس از گذشت مدتنی؟ در فرض دوم میزان مدت چقدر است مشخص فرمایید.

سوال

پس انداز درآمد سال برای صرف در سال بعد، اگر در آستانه صرف در مؤونه تا چند روز آینده باشد، و یا خود داشتن مبلغی پس انداز جزو مؤونه او محسوب باشد خمس ندارد، و گرنۀ باید خمس آن را بپردازد.

جواب